



- 1 ایوب دیگر باره مَثَل خود را آورده، گفت:
- 2 «به حیات خدا که حقّ مرا برداشته و به قادرمطلق که جان مرا تلخ نموده است،
- 3 که مادامی که جانم در من باقی است و نفخه خدا در بینی من می‌باشد،
- 4 یقیناً لبهایم به بی‌انصافی تکلم نخواهد کرد، و زبانم به فریب تنطّق نخواهد نمود.
- 5 حاشا از من که شما را تصدیق نمایم، و تا بمیرم کاملیت خویش را از خود دور نخواهم ساخت.
- 6 عدالت خود را قائم نگاه می‌دارم و آن را ترك نخواهم نمود، و دلم تا زنده باشم، مرا مذمّت نخواهد کرد.
- 7 دشمن من مثل شریر باشد، و مقاومت‌کنندگانم مثل خطاکاران.
- 8 زیرا امید شریر چیست هنگامی که خدا او را منقطع می‌سازد؟ و چینی که خدا جان او را می‌گیرد؟
- 9 آیا خدا فریاد او را خواهد شنید، هنگامی که مصیبت بر او عارض شود؟
- 10 آیا در قادرمطلق تلذّذ خواهد یافت، و در همه اوقات از خدا مسألت خواهد نمود؟
- 11 «شما را درباره دست خدا تعلیم خواهم داد و از اعمال قادرمطلق چیزی مخفی نخواهم داشت.
- 12 اینک جمیع شما این را ملاحظه کرده‌اید، پس چرا بالکلّ باطل شده‌اید.
- 13 این است نصیب مرد شریر از جانب خدا، و میراث ظالمان که آن را از قادرمطلق می‌یابند.
- 14 اگر فرزندان او بسیار شوند شمشیر برای ایشان است، و ذرّیت او از نان سیر نخواهند شد.
- 15 بازماندگان او از وبا دفن خواهند شد، و بیوه زنان او گریه خواهند کرد،
- 16 اگر چه نقره را مثل غبار اندوخته کند، و لباس را مثل گِل آماده سازد.
- 17 او آماده می‌کند لیکن مرد عادل آن را خواهد پوشید، و صالحان نقره او را تقسیم خواهند نمود.
- 18 خانه خود را مثل بید بنا می‌کند، و مثل سایبانی که دشتیان می‌سازد.
- 19 او دولتمند می‌خواهد، امّا دفن خواهد شد. چشمان خود را می‌گشاید و نیست می‌باشد.
- 20 ترسها مثل آب او را فرومی‌گیرد، و گردباد او را در شب می‌ریاید.
- 21 باد شرقی او را برمی‌دارد و نابود می‌شود و او را از مکانش دور می‌اندازد،

22 زیرا (خدا) بر او تیر خواهد انداخت و شفقت نخواهد نمود. اگر چه او می‌خواهد از دست وی فرار کرده، بگریزد.

23 مردم کفهای خود را بر او بهم می‌زنند و او را از مکانش صغیر زده، بیرون می‌کنند.